

زمینه/شور – امام کاظم علیہ السلام  
فرمانروای عالمین موسی بن جعفر  
خورشید شهر کاظین موسی بن جعفر  
به درد غریبی تو هستی معالج  
نواى دل من یا باب الحوائج  
یا باب الحوائج یا موسی بن جعفر...

ما جان به کف در راه عشق تو نهادیم  
ما سائلان خاکی باب الرادیم  
منم عبد مسکین تو بحر عطایی  
به باغ ولایت گل مصطفایی  
یا باب الحوائج یا موسی بن جعفر...

با ناله تو دشت و هامون گریه کرده  
زنجیر غم در پای تو خون گریه کرده  
پر از درد و رنج و به شور و نوایی  
به زندان بغداد تو گشتی فدایی  
یا باب الحوائج یا موسی بن جعفر...

گشتی کفن قربان درد بی طبیعت  
دلها بسوزد یاد آن جدّ غربیت  
حسین بن حیدر که دور از وطن بود  
سرش روی نیزه تنش بی کفن بود  
حسین یابن زهرا...

واحد آرام - امام کاظم علیہ السلام  
ای حجت داور موسی بن جعفر آه موسی بن جعفر  
گل یاس پرپر موسی بن جعفر آه موسی بن جعفر  
اشکم گره خورد با سوز و آهت  
زندان بغداد شد قتلگاہت  
باب الحوائج موسی بن جعفر...

ای حریم عشقت قبله حاجات آه قبله حاجات  
زندان شد برایت طور مناجات آه طور مناجات  
بر پیکر دین سرّ الحیاتی  
ذکرت چو مادر عجل وفاتی  
باب الحوائج موسی بن جعفر...

با غم تو داریم ناله شبگیر آه ناله شبگیر  
خون گردیده جاری از غل و زنجیر آه از غل و زنجیر  
روزه بودی و دل پرشور بود  
افطارت هر شب خون جگر بود  
باب الحوائج موسی بن جعفر...

سندی بی حیا بر تو جفا کرد آه بر تو جفا کرد  
زندان هارون را کربلا کرد آه کربلا کرد  
غم شد آغشته با جان و روح  
آهن کجا و پای مجروح  
باب الحوائج موسی بن جعفر...

زمینه/شور - امام کاظم علیہ السلام

به سیاهی زندان حال دل من شد زار

چه جفا ها بر من کرد هارون جنایتکار

در حال مناجات و در موقع رکوع و سجود

سندی لعین میزنه من و با تمام وجود

مظلوم و غریب من...

ای خدا خلاص کن از زندان این ملعون

بسکه مصیبت دیدم دل مادرم شد خون

از بسکه شکنجم داده دشمنم دیگه خسته شد

به ساق پای مجروحم غل آهنین بسته شد

مظلوم و غریب من...

برای رضای تو به راه دین و قرآن

چه مصیبتا دیدم ای خدا تو این زندان

ناسزای سندی شده غصه ی دل خون من

تازیانه میزد همش به بدن کم جون من

مظلوم و غریب من...

هر زمانی که اینجا میرسه جونم بر لب

گریه میکنم یاد ام المصائب ، زینب

اونی که به هر جا دلش میگیره سراغ حسین

تازیانه و کعب نی قد خم و داغ حسین

سیدنا یا مظلوم...

واحد - امام کاظم علیہ السلام

ما سائلیم و تو کریم عالم ، همیشه به یادت میخونیم

تا ابد آقا به مدد زهرا سینه زن عشقت می مونیم

بین الزهرا ، عنایتی بر ما ، حاجت دل ما به کاظمینه

با مدد از ، کرم تو مولا ، همیشه نوامون حسین حسینه

کربلا کربلا کربلا اللهم الرزقنا...

جنت الاعلا ، آبروی دنیا ، آرزوی دلها کربلا

میریم ایشالا ، از کاظمین تو ، زیارت شاه نینوا

آقایی که ، با لبای تشنه ، به خاطر اسلام ، جونش فدا شد

پیش چشم ، نگرون زینب ، میون یه گودال ، سرش جا شد

یا حسین یا حسین یا حسین ، یا ابا عبدالله ....

۸\*\*\*\*\*

زمینه/شور - امام کاظم علیہ السلام

در این مصائب شد دل ملائک خون

امام کاظم شد زندانی هارون

به یاد این آقا ارض و سما گرید

هم حیدر وزهرا  
واویلا واویلا... هم مصطفی گرید

به خیل مشتاقان قبله ی حاجات است

زندان برای او طور مناجات است

دلها بسوزد از درد عیان او

شکنجه ی سندی قاتل جان او

واویلا واویلا...

ای مهر پاکت در سرشت ما آقا

ای کاظمین تو بهشت ما آقا

اسیر عصیان و اسیر صد ، دردم

ما آرزو داریم که شیعه ات گردیم

یا مولا یا مولا...

بیا و ما را از کرم هدایت کن

فدایی راه سرخ ولایت کن

بیا و ما را در رخت فدایی کن

دل محبان را کربلایی کن

یا مولا یا مولا...

نوحه/واحد - حضرت امام کاظم علیہ السلام

دیده گریان موسی بن جعفر حق ثنا خوان موسی بن جعفر

سر در خانه ی دل نوشته جان به قربان موسی بن جعفر

ما سائلانت هستیم/دل بر ولایت بستیم/بر خاک تو بنشستیم

یا سیدی یا مظلوم...

لاله ی گلشن هل اتایی تو به درد دو عالم دوایی

کنج زندان به دستان بسته گره از کار خلقت گشایی

باب المراد مایی/آرامش دلهایی/تو یوسف زهرایی

یا سیدی یا مظلوم...

بسکه دشمن نموده جفایت تا به گردون رسیده نوایت

بر تو خون گریه کرده دمادم غل و زنجیر سندی به پایت

از ظلم او افسردی/چون لاله ای پژمردی/بس تازیانه خوردی

یا سیدی یا مظلوم...

گرچه تو سرور عالمینی بر نبی روشنای دو عینی

گفته ای که تنت را گذارند در ره زائران حسینی

با نوحه ی عاشورا/شد ذکر تو یا جدّا/با یاد کربلا

یا سیدی یا مظلوم...

زمینه/نوحه - حضرت امام کاظم علیه السلام

گل زهرا اسیردرد و بلا وای وای

کنج زندان غم شد کربلا وای وای

مضطر گشت و نالان/خورشید خراسان

با ناله بگویم/تسلیت رضا جان

یا موسی بن جعفر باب الحوائج...

بسکه در کنج زندان رنج و بلا کشیده

قامت عمرش از این بار بلا خمیده

از جانش شده سیر/از غصه شده پیر

همدش به غربت/گشته غل و زنجیر

یا موسی بن جعفر باب الحوائج...

عاقبت شیعیان بر وصال او رسیدند

پیکرش را به روی تخته ی در بدیدند

واویلا و فریاد/از این ظلم و بیداد

از زندان بغداد/یوسف گشته زاد

یا موسی بن جعفر باب الحوائج...

نوحه حضرت امام کاظم علیه السلام

با دیده گریان و با قلب مضطر ناله دارم در غم موسی بن جعفر

با غل و زنجیر از زندان بغداد یوسف فاطمه(س) گردیده آزاد

واویلا واویلا آه و واویلا...

میان زندان غم ناله ها میزد با اشک دیده رضا را صدا میزد

زمزمه لبش با چشم گریان پسرم پسرم ، رضا رضا جان

واویلا واویلا آه و واویلا...

روزه بود و یوسف حیدر کزّار هر شب با رزق بلا می نمود افطار

روزش در تاریکی همچون شب تار آزرده شد دلش از ظلم و آزار

واویلا واویلا آه و واویلا...

در کنج زندان شده جان او بر لب گریه کند با یاد غربت زینب

او که یار و هوادار حسین است کوفه و شام ، علمدار حسین است

واویلا واویلا آه و واویلا...

ای زندانی کوفه جانها فدایت به قربان ناله های وا اخایت

یتیمان گرسنه دور و برت از تن جدا شد سر برادرت

واویلا واویلا آه و واویلا...

زمینه/نوحه - حضرت امام کاظم علیه السلام

یا باب الحوائج ، ای جلوه ی داور

غریب کاظمین ، یا موسی بن جعفر

کنج زندان/جانت فدا گشته/محشر به پا گشته/کربلا گشته

یا باب الحوائج ، یا موسی بن جعفر ، یا موسی بن جعفر...

امان ز بیداد و ظلم دشمن تو

جای غل و زنجیر مانده بر تن تو

در اسارت/رنج و بلا دیدی/بار غم کشیدی/اهانت شنیدی

یا باب الحوائج ، یا موسی بن جعفر ، یا موسی بن جعفر...

نشانه ها مانده بر روی پیکرت

از ظلم سندی شد، خون ، قلب مادرت

گفتی آقا/با دیده ی گریان/با ناله و افغان/کجایی رضا جان

یا باب الحوائج ، یا موسی بن جعفر ، یا موسی بن جعفر...

نوحه/واحد - حضرت امام کاظم علیه السلام

عزای حضرت کاظم شعله برروح و روان عاشقان زد

زندانبان درون زندان ستم و جنایتش گذشته از حد

آه...فاطمه شد حزینه/پرپر از ظلم و کینه/شده یاس امامت

آه...ناله های شبانه/طعنه و تازیانه/شده اجر رسالت

آه و واویلا...

ما سینه زنان عشق حرم الله غریب کاظمینیم

سالک در صراط نور آن ولی و مقتدای عالمینیم

ای...شرف آسمانها/برتری از بیانها/اعظم از بی کرانها

ای...هفتمین حجت الله/یوسف عصمت الله/معنی غیرت الله

آه و واویلا...

زندگی بدون عشق تو به یک لحظه روا نباشد آقا

من هستم بنده ی عاصی تویی فرزند علی ، عزیز زهرا

ما...همه بی دست و پاییم/سانلان شماییم/غرق شور و نواییم

ما در به در های خاک/عرشی نینواییم/زائر کربلاییم

مظلوم حسین جان...

زمزمه - حضرت امام کاظم علیہ السلام  
کشیده شعله در دلها ، عزای حضرت کاظم  
بسوز ای دل بسوز ای دل ، برای حضرت کاظم  
غریب آقا غریب آقا...

میان محبس هارون ، زغریت ناله ها میزد  
به اشک و آه جانسوزش ، رضایش را صدا میزد  
فضای تنگ و تاریکی ، انیس سوز و آهش شد  
بمیرم من بمیرم من ، که زندان قتلگاهش شد  
گرفته سندی شاهک ، ز مولای دو عالم جان  
تمام پیکرش نیلی ، شد از شلاق زندانیان  
شکنجه دیده و او با ، غمی دیرینه جان داده  
به زندان با تنی مجروح ، به زهر کینه جان داده  
شهید راه دین گشت و ، تنش تشعیع شد آنجا  
بسوز ای دل بسوز ای دل ، به یاد روز عاشورا  
کفن آورده شد بهر ، ولی و حجت افلاک  
ولیکن جدّ او مانده ، تنش عریان به روی خاک